

بررسی زندگی، احوال و آثار الماس خان کندوله‌ای

(بر پایه نسخه‌های خطی آثار او)^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۱۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۲۹

سید آرمان حسینی آباریکی^۲

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

چکیده

کورت

الماس خان کندوله‌ای از شاعران نامی گورانی سرای کُرد در قرن دوازدهم هجری به شمار می‌آید. با این‌که پژوهشگران اشارات فراوانی به احوال و آثار او کرده‌اند، اما بیشتر منابع تکرار مطالب پیشین بوده و تاکنون پژوهش دقیق و اطمینان‌بخشی درباره‌ی زندگی و سروده‌های او انجام نگرفته است. آوازه‌ی الماس خان به سبب منظومه‌هایی است که به وی نسبت داده‌اند، هرچند بیشتر این آثار از آن او نیست. در این جستار، ضمن نقد و بررسی نظر پژوهشگران درباره‌ی زندگی و آثار شاعر، کوشش می‌شود بنا بر نسخه‌های خطی‌یی که در انتساب آنان به الماس خان جای تردیدی نیست، دقایق زندگی و پاره‌ای از عقاید و باورهای او آشکار شود. نام و تخلص، نسب، تاریخ ولادت و زادگاه، شرح حال، تاریخ وفات، آرامگاه و اعتقادات الماس خان، از مباحث برجسته‌ی مقاله‌ی پیش روست. در پایان نیز نسخه‌های خطی آثار او در کتابخانه‌های ایران و جهان معرفی می‌شود.

الماس خان کندوله‌ای از شاعران نامی گورانی سرای کُرد در قرن دوازدهم هجری به شمار می‌آید. با این‌که پژوهشگران اشارات فراوانی به احوال و آثار او کرده‌اند، اما بیشتر منابع تکرار مطالب پیشین بوده و تاکنون پژوهش دقیق و اطمینان‌بخشی درباره‌ی زندگی و سروده‌های او انجام نگرفته است. آوازه‌ی الماس خان به سبب منظومه‌هایی است که به وی نسبت داده‌اند، هرچند بیشتر این آثار از آن او نیست. در این جستار، ضمن نقد و بررسی نظر پژوهشگران درباره‌ی زندگی و آثار شاعر، کوشش می‌شود بنا بر نسخه‌های خطی‌یی که در انتساب آنان به الماس خان جای تردیدی نیست، دقایق زندگی و پاره‌ای از عقاید و باورهای او آشکار شود. نام و تخلص، نسب، تاریخ ولادت و زادگاه، شرح حال، تاریخ وفات، آرامگاه و اعتقادات الماس خان، از مباحث برجسته‌ی مقاله‌ی پیش روست. در پایان نیز نسخه‌های خطی آثار او در کتابخانه‌های ایران و جهان معرفی می‌شود.

و شه‌گه‌لی سه‌ره‌کی: ئەلماس خانی که‌ندوله‌یی، ژیان، که‌سایه‌تی، شیعری کوردی، نوسخه ده‌ستنوسه‌کان.

کلیدواژه‌ها: الماس خان کندوله‌ای، زندگی، شخصیت، شعر کُردی، نسخه‌های خطی.

۱- این مقاله به پاس یک عمر تلاش خستگی‌ناپذیر استاد محمدرشد امینی در عرصه‌ی شناساندن نسخه‌های خطی کُردی، به ایشان تقدیم می‌گردد.

۱- مقدمه

ادبیات گورانی، به‌عنوان یکی از زیرشاخه‌های ادبیات‌گردی، در سده‌های دوازدهم و سیزدهم هجری تحوّل چشمگیری داشته است؛ پیش از آن، بیشتر سروده‌های گورانی از نوع آیینی و از آن بزرگان یارسان بوده، اما در این دوران افزون بر اشعار آیینی، منظومه‌های پهلوانی، غنایی و تعلیمی فراوانی آفریده شده است. منظومه‌های پهلوانی بیشتر در پیوند با پادشاهی کی‌خسرو، نبردهای ایران و توران و دلاوری‌های خاندان رستم است که ردّ پای ادب عامّه و طومارهای نقّالی در آن‌ها نمایان است. منظومه‌های غنایی غالباً در نظیره‌گویی از آثار نظامی گنجوی شکل گرفته و خانای قبادی، الماس‌خان کندوله‌ای، میرزا شفیع کُلیایی، مُلا ولدخان گوران و میرزا نورعلی کندوله‌ای از جمله منظومه‌سرایان برجسته‌ی گورانی‌سُرای به حساب می‌آیند.

الماس‌خان کندوله‌ای از جمله شاعرانی است که چند منظومه‌ی تاریخی، غنایی و تمثیلی از او بر جای مانده است. علاوه بر این، بیشتر منظومه‌های پهلوانی را که متعلّق به شاعران دیگر و یا از سراینده‌گان ناشناس بوده، به وی نسبت داده‌اند؛ به‌عنوان نمونه، منظومه‌های هفت لشکر و خورشید و خاور را از الماس‌خان کندوله‌ای دانسته‌اند، در حالی که نگارنده با معرفی و بررسی ده نسخه‌ی خطّی از هفت لشکر، هیچ نشانی از الماس‌خان به‌عنوان سراینده‌ی این اثر مشاهده نکرد و در مقابل، در متن و سر‌نویس چند نسخه، شاعر «مصطفی بن محمود» معرفی شده است (حسینی آبیاریکی، ۱۳۹۵: ۶۸-۹۷). منظومه‌ی خورشید و خاور (خورشید و خرامان) نیز با وجود تفاوت در روایت‌های آن، برجسته‌ترین روایتش از آن مُلا نورعلی کندوله‌ای است که نسخه‌ی آن در کتابخانه‌ی دولتی برلین به شماره‌ی Ms. or. oct. ۱۱۷۱ نگهداری می‌شود. در ترقیمه‌ی این نسخه آمده است: «تمام شد کتاب خورشید خرامان گفته‌ی مُلا نورعلی کندوله‌ای به جهت جناب مستطاب آقای دُکُدر [دکتر] آگن به‌سعی اهتمام پذیرفت حاجی آقای کرمانشهرانی در روز یک‌شنبه ششم جمادی الاول، سنه ۱۹۹۰». در عنوان چاپ سنگی خورشید و خاور در مکتبه العربیه بغداد، نوشته شده است: «خورشیدی خاور: له آثاره نایابه‌کانی کوردی میرزا مصطفی‌ی کوردستان». در نسخه‌های دیگر این منظومه هم نام سراینده ضبط نشده است؛ پس انتساب آن به الماس‌خان کندوله‌ای وجهی ندارد.

مطالبی در تذکره‌ها و کتاب‌های مختلف درباره‌ی الماس‌خان و احوال و آثار او

نوشته شده که بیشتر تکرار مطالب پیش از خود هستند (ر.ک: سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۰۰-۱۰۵؛ صفی‌زاده، ۲۰۰۸: ۳۱-۳۸/۲ و ۱۳۸۰: ذیل الماس‌خان؛ خه‌زنه‌دار، ۲۰۰۲: ۵۹-۶۹/۲؛ غضنفری امرایی، ۱۳۶۴: ۴۰۲-۴۱۵؛ گجری، ۱۳۷۳ و ۱۳۷۸: ۲۷۲-۲۸۰؛ صالحی، ۱۳۸۰: ۱۶۰-۱۶۸ و امینی، ۱۳۹۶: ۴۱۳-۴۴۳). مقالاتی هم درباره‌ی منظومه‌های غنایی و تاریخی الماس‌خان نوشته شده که در مورد زندگی و آثار شاعر، به نوشته‌های مندرج در کتاب‌های یادشده ارجاع داده‌اند و نکته‌ی نویافته‌ای درباره‌ی شاعر ذکر نکرده‌اند. در همین راستا نگارنده بر آن شد، با توجه به نسخه‌های خطی آثار شاعر که منابع دسته اول به شمار می‌آیند، پژوهشی اطمینان‌بخش و مستند ارائه کند؛ به گونه‌ای که بتواند دقایقی از زندگی و احوال شاعر را نمایان سازد و نسخه‌های خطی آثار او را در کتابخانه‌های ایران و جهان معرفی نماید.

۲- نام و تخلص

همه‌ی پژوهشگران متفق‌القول نام شاعر را «الماس‌خان» نوشته‌اند. در بیشتر نسخه‌های خطی آثار او، تخلص «الماس» آمده است؛ برای نمونه در جنگ محفوظ در کتابخانه‌ی دولتی برلین به شماره‌ی Ms.or.oct ۱۱۷۸، چنین آمده:

یه واته‌ی الماس زوخاوان نه دل جواب نامه‌ی وصف، گلزاران گل
برگردان:

این گفته‌ی «الماس» -که در دل خونابه دارد- در پاسخ نامه‌ی وصف گل و گلزاران است.

و یا:

دنیا دمی بون چون واته‌ی الماس خرید بو ژ لای خواصان خاس
(کندوله‌ای (ج)، b۲)

برگردان:

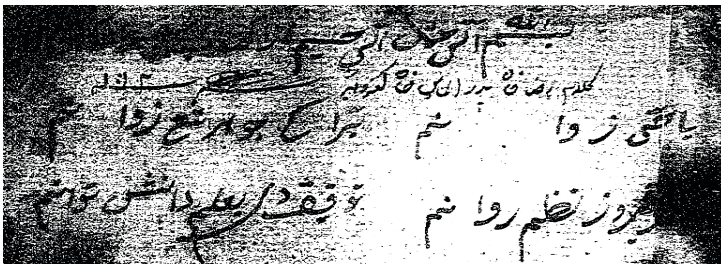
دنیا همچون گفته‌ی «الماس» زودگذر است؛ امید که گفتارم در نزد خواصان
[سخن‌سنج] مورد قبول واقع شود.

۳- نسب

صفی‌زاده و خه‌زنه‌دار نام پدر الماس خان را «احمدخان» نوشته‌اند (صفی‌زاده، ۲۰۰۸، ۲/۳۱؛ خه‌زنه‌دار، ۲۰۰۲: ۲/۵۹). در سرنویس نسخه‌ی خطی اسفندیار و رستم به شماره‌ی Ms.or.oct ۱۱۸۷ که در کتابخانه‌ی دولتی برلین نگهداری می‌شود، «رضاخان» پدر الماس خان دانسته شده است. اگر این سخن صحیح باشد، پدر الماس خان نیز شاعر بوده و فرزند پا جای پای پدر نهاده است.

قابل توجه است که سال نظم و یا کتابت اثر ۱۰۱۲ ق. ضبط شده است. نگارنده بعید می‌داند که چنین تاریخی صحت داشته باشد؛ زیرا هنگام سرایش چنین اثری، منطقی است که رضاخان حداقل سی سالی داشته و الماس خان متولد شده باشد؛ و چون تاریخ فوت الماس خان را اواخر قرن دوازدهم دانسته‌اند، مدت عمر الماس خان به بیش ۱۸۰ سال می‌رسد! مگر این که پنداشته شود او پیش از عصر نادری می‌زیسته که این امر محال است؛ زیرا نادرنامه که بدون تردید از آن الماس خان است، پس از مرگ نادرشاه سروده شده است.

نگارنده در مورد این نسخه، با محمدرشید امینی مشورت کرده و ایشان نکته‌ی قابل توجهی یادآور شدند: «این سرنویس نوشته‌ی کاتب اصلی نیست و برافزوده‌ی متأخرین است؛ زیرا در سال ۱۰۱۲ ق. الماس خانی وجود نداشته که پدرش را به نام او معرفی کنند. کاتب دوم و یا چندی که آوازه‌ی الماس خان را شنیده، رضاخان را که کمتر شهرت داشته، در ذیل نام فرزند نامی‌اش شناسانده است.»



در کتاب *The Meter and the Literary Language of Gūrānī Poetry* به نقل از *Kurdische Handschriften*، ذیل نسخه‌ی اسفندیار و رستم به شماره Ms.or.oct

۱۱۸۷ آمده که این نسخه از رضاخان پدر الماس خان و در سال ۱۶۰۳-۱۶۰۴ م. نوشته شده است (Mahmoudveysi ۲۰۱۴: ۲۵۲).

1187 Ms.Or.Oct	Part I: Rostam u Sohrāb 'Rostam and Sohrab' (an episode from the Šāhnāma), the poet's name is uncertain, but it may be Almās Xān.
	2) Esfandyār u Rostam 'Esfandyar and Rostam', by Razā Xān, the father of Almās Xān, dated 1603-1604.

۴- تاریخ ولادت و زادگاه

تاریخ ولادت الماس خان دقیقاً روشن نیست؛ هر چند محققان تاریخ تولد او را ۱۱۱۸ ق. ذکر کرده‌اند (صفی‌زاده، ۲۰۰۸: ۳۱/۲؛ یزدان‌پناه، ۱۳۸۰: ۱۷؛ کندوله‌ای، ۱۳۹۴: ۱۷)، اما تصریح ننموده‌اند که این تاریخ را بر مبنای چه مستندات می‌نویسند. برخی محققان زادگاه شاعر را «کندوله» دانسته‌اند و در ظُهر و سَر‌نویس نسخه‌ها، «الماس خان کندوله‌ای» بارها تکرار شده است. کندوله امروزه دهی از بخش دینور، شهرستان صحنه و استان کرمانشاه است. یزدان‌پناه درباره‌ی زادگاه الماس خان نوشته است:

«از کندوله شاعران برجسته‌ی کُردی‌سرا و فارسی‌گوی برخاسته‌اند که از آن‌جمله الماس خان کندوله‌ای، شاعر بزرگ کُرد است که اهالی اصل او را از پلنگان می‌دانند... در سال ۱۱۱۸ ق. در ده کندوله از توابع کرمانشاه چشم به جهان گشود؛ وی از اهالی تیره‌های محلّه وسط «سهایله» بوده است» (یزدان‌پناه، ۱۳۸۰: ۱۷ و ۱۸)؛ اما امین گجری شکل‌گیری و تأسیس تیره‌ی سهایله را پس از الماس خان دانسته است. مؤسس این طایفه «اسماعیل» از نوادگان الماس خان بوده که بزرگ آنان در سال ۱۳۷۳ خ. - که گجری شیرین و فرهاد را تصحیح کرده - حسن آقا و حسین آقا امیری بوده‌اند (کندوله‌ای، ۱۳۷۳: س). هم‌چنین گجری الماس خان را اصالتاً «کردستانی» دانسته که پس از ماجرای شکست نادر از توپال عثمان پاشا، همراه سه دخترش به کندوله تبعید شده است (همان: ذ). محیی‌الدین صالحی هم الماس خان را کُردستانی معرفی کرده که پس از بی‌مهری‌های والی اردلان، از کُردستان به کندوله می‌آید و در آن‌جا که محل امن، آرام و مناسبی برای او بوده، اقامت اختیار می‌کند

(صالحی، ۱۳۸۰: ۱۶۴). صفی‌زاده او را الماس‌خان کُردستانی (۱۱۶۵-۱۲۲۷ ق.) نیز نامیده است؛ الماس‌خان فرزند خسروخان کلهر که در زمان فتحعلیشاه به مدت پنج سال در تهران زندانی بوده است. برخی دیگر از پژوهشگران، الماس‌خان کندوله‌ای و کُردستانی را یکی دانسته‌اند (صالحی، ۱۳۸۰: ۱۶۱؛ سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۰۰؛ یزدان‌پناه، ۱۳۸۴: ۱۸). امینی درباره‌ی الماس‌خان کندوله‌ای، کُردستانی و کلهر نوشته است:

استاد بوره‌که‌ای، الماس‌خان کُردستانی و الماس‌خان کندوله‌ای را دو شاعر متفاوت و شعر «شفیع‌ذیای دون» که به جهت میرزا شفیع گُلیایی سروده شده را از الماس‌خان کُردستانی دانسته است. در مقابل استاد محمدعلی سلطانی این سروده را به نام الماس‌خان کندوله‌ای آورده و نگارنده نیز با استاد سلطانی هم‌عقیده و برآنم که الماس‌خان کُردستانی همان الماس‌خان کندوله‌ای است و اوست که با میرزا شفیع گُلیایی مشاعره و اخوانیات داشته است. سخنی که استاد سلطانی درباره‌ی الماس‌خان گفته (که شاعر به میرزا الماس‌خان، سرهنگ الماس‌خان و الماس‌خان کُردستانی اشتها داشته و از فرماندهان سپاه نادری بوده و تیپ‌سندج توسط وی رهبری می‌شده است) و به‌ویژه الماس‌خان کلهر که استاد شکر مصطفی نادرنامه را به نام وی چاپ کرده، همگی الماس‌خان کندوله‌ای بوده‌اند (امینی، ۱۳۹۶: ۴۱۳ و ۴۱۴).

به نظر نگارنده نیز الماس‌خان کندوله‌ای با میرزا شفیع هم‌دوره بوده و نوشته‌ی صفی‌زاده درباره‌ی الماس‌خان کلهر اطمینان‌بخش نیست و در هیچ کتاب و تذکره‌ای از چنین شاعری نام بُرده نشده است. آن سروده‌ها هم اگر از اشعار نگارنده‌ی کتاب می‌ثووی و ویژه‌ی کوردی نباشد، از آن الماس‌خان کندوله‌ای است و با اشعار مندرج در جُنگ خطی محفوظ در کتابخانه‌ی دولتی برلین هم‌خوانی دارد.

۵- القاب

الماس‌خان را با لقب‌هایی چون «مُلا»، «میرزا» و «سرهنگ» نامیده‌اند. مُلا و میرزا بیانگر باسواد و طبع شعری اوست، امّا در مورد عنوان «سرهنگ» نظرات مختلفی ارائه شده است. بیشتر پژوهشگران این عنوان را به سبب فرماندهی الماس‌خان در سپاه نادرشاه یادآور شده‌اند (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۰۰؛ گجری، ۱۳۷۸: ۲۷۸؛

یزدان‌پناه، ۱۳۸۴: ۱۸). صالحی نیز بر آن بوده که الماس‌خان ابتدا در سپاه والی گُردستان سرهنگ و پرچمدار بوده و پس از آن به خدمت نادر درآمد است (صالحی، ۱۳۸۰: ۱۶۱) اما بهرامی نظر دیگری دارد و عنوان «سرهنگ» را برای الماس‌خان، نه به معنای سرهنگ سپاه نادرشاه، بلکه فرماندهی دسته‌ی عشایر منطقه‌ی خود دانسته است، که در جنگ‌های نادرشاه با عثمانی‌ها در غرب کشور، با او همکاری کرده است (بهرامی، ۱۳۸۹: ۱۲-۱۵/۳).

۶- زندگی و روزگار شاعر

از ایام کودکی و جوانی الماس‌خان، نکته‌ای در خلال آثارش به دست نمی‌آید و معلوم نیست که صفی‌زاده بر اساس چه مدرک و سندی بیان داشته که او تحصیلاتش را در کرمانشاه، سنندج، شیراز و اصفهان ادامه داده و فقه، تاریخ و فنون ادب را فراگرفته است (صفی‌زاده، ۱۳۸۰، ذیل الماس‌خان).

معروف است که الماس‌خان از سرداران سپاه نادرشاه بوده و نادر در جنگی که در اواخر سال ۱۱۱۱ خ. (ژانویه ۱۷۳۳ م.) در کرکوک با توپال عثمان پاشا داشته، شکست خورده است و بعضی از لشکریان، الماس‌خان را عامل شکست دانسته‌اند و به همین علت، نادر، الماس‌خان را مجازات نموده، به کندوله تبعید میکند و او به باغداری و تصنیف یا ترجمه‌ی شاهنامه گردی میپردازد (ر.ک: گجری، ۱۳۷۸: ۲۷۸). امینی درباره‌ی نبرد نخست نادر با توپال پاشای عثمانی نوشته است:

بنابر کتاب نادر صاحبقران در نبرد اول، اسب نادر با مرکب یکی از سواران عثمانی برخورد می‌کند که هر دو اسب سرنگون می‌شوند. به همین سبب پنداشته می‌شود که نادر کشته شده و سپاه از هم گسیخته می‌شود. در این هنگام که الماس‌خان پرچم‌دار تیپ اردلان است، اسب او نیز می‌غلتد و پرچم از دست الماس‌خان به زمین می‌افتد. بدین ترتیب سامان سپاه ایران به هم خورده و بسیاری کشته می‌شوند. نادر در نهایت فرمان عقب‌نشینی می‌دهد و پس از آن فرمانده تیپ اردلان (الماس‌خان) و فرمانده‌ی تیپ کرمانشاه (حسین‌خان زنگنه) را تنبیه و مجازات می‌کند؛ بدین گونه که هر دو چشم حسین‌خان را کور کرده و الماس‌خان را مقطوع‌النسل می‌کند و درجه و مقام هر دو را نیز از آن‌ها بازمی‌ستانند. از این پس، الماس‌خان به کندوله می‌رود و روزگار خود را با شعر و موسیقی به سر می‌برد (امینی، ۱۳۹۶: ۴۱۴). ۱.

برخی دیگر نیز معتقدند نادرشاه، الماس‌خان را مقطوع‌النسل کرده است (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۰۰؛ یزدان‌پناه، ۱۳۸۴: ۱۸)؛ و سروده‌ی میرزا شفیع در سوگ الماس‌خان را در تأیید سخن خود یادآور شده‌اند:
فرزندی ژ اصل نسل ویت نبو نامی ژ نسل فصل ویت نبو
(سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۰۲)

برگردان: فرزند و نهالی از اصل و نسل تو باقی نمانده است.

اما گجری از نوادگان دخترِ شاعر در روستای کندوله سخن گفته و شرح زندگی و اشعار میرزا سبزه‌علی کندوله‌ای از نوادگان دخترِ الماس‌خان را در کتاب از بیستون تا دالاهو آورده است (گجری، ۱۳۷۸: ۱۹۷-۲۰۵). گجری می‌نویسد: «این‌که می‌گویند الماس‌خان بلاعقاب بوده، از این نظر است که در قدیم اعتقاد داشتند که نسل توسط پسر ادامه می‌یابد و دختر را به‌عنوان سرسلسله و اجاق حساب نمی‌کردند؛ و گرنه الماس‌خان سه دختر داشته و بلاعقاب نبوده است و در مرثیه‌ی میرزا شفیع که الماس‌خان را بدون فرزند معرفی کرده، منظور او همان پسر نداشتن الماس‌خان است» (کندوله‌ای، ۱۳۷۳، مقدمه گجری: ر)

نگارنده نیز بر آن است که در ماجرای یادشده اندکی غلو شده است؛ زیرا اگر نادر، الماس‌خان را از مردانگی انداخته باشد، چگونه و با چه روحیه و امیدی نادرنامه را در شرح جنگاوری و رشادت‌های وی منظوم ساخته است؟ آیا الماس‌خان با چنین سیاست و تنبیهی به‌راحتی کنار آمده است؟! الماس‌خان در این کتاب به‌تفصیل از نبردها و وقایع نادرشاه سخن گفته، اما کوچک‌ترین اشاره‌ای به غضب نادر و تنبیه شدن خود نکرده است.

از نسخه‌ی خطی اشعار الماس‌خان در کتابخانه‌ی دولتی برلین به شماره‌ی Ms.or. ۱۱۷۸ oct، این نکته به دست می‌آید که او مدتی به فرمان «خانی» که از وی کینه به دل داشته، تحصیل‌دار (= مأمور جمع‌آوری مالیات) می‌شود و بدین‌منظور به «موینه» (مرکز دهستان حُر، بخش دینور، شهرستان صحنه) می‌رود:

دل پَر وَ رینه دل پَر پَرَا [پَر] خوف و رینه
وَ امر تحصیل خان پَر کینه داخل بیم وَ زید ملک موینه
برگردان:

دل پر از چرک و ریم شده است؛ دل پر از اندوه و خونابه شده است / به فرمان «خان»

پُرکینه، به جهت تحصیل داری و گردآوری مالیات، به ملک «موینه» وارد شدم. منظور از خان، آیا والی اردلان است؟ به چه سبب خان از الماس خان کینه به دل گرفته است؟ گجری در مقدمه‌ی شیرین و فرهاد الماس خان، به مسئله‌ای اشاره می‌کند که در خور تأمل است:

«پس از این که مدتی از تبعید الماس خان می‌گذرد، نادرشاه درمی‌یابد که نیرویی کاردان و لایق را صرفاً به خاطر بدگویی غیر واقعی چند تن از سپاهیان و سربازان، از سپاه خویش اخراج نموده است، بدین خاطر راهی کندوله می‌شود تا هم عذر تقصیرات گذشته را خواسته و هم حکم جمع‌آوری مالیات صحنه، دینور، کندوله، بیلوار و گلیایی را به او واگذار نماید» (همان: ۱۰).

بدون تردید الماس خان تحصیل‌دار شده است؛ اما نه به فرمان نادرشاه و به قصد دل‌جویی، بلکه وی به سبب کوتاهی در جنگ و یا کدورتی که میان خان اردلان و وی روی داده، از فرماندهی تیپ اردلان به درجه‌ای پایین‌تر یعنی تحصیل‌داری منطقه‌ی «موینه»، نزول درجه یافته است. بابا مردوخ روحانی هم الماس خان را رانده و مورد غضبِ نادر ندانسته و سبب بازگشتن الماس خان به کندوله را کدورتی می‌داند که از خان اردلان پیدا کرده است:

در جنگی که بین سپاه نادر برای تصرف بغداد با سپاه عثمانی در کنار دجله و نزدیک شهر سامره، روی داده، نیروی مُقَدَّم جبهه‌ی نادری، جنگاوران اردوی والی اردلان بوده‌اند، تحت فرماندهی سرهنگ الماس خان، و سربازان وی در این جنگ مردانه جنگیده و راه پیشروی را برای ارتش نادری باز کرده‌اند، اما پس از فتح بغداد و خاتمه‌ی جنگ، الماس خان به علّت کدورتی که از خان اردلان پیدا می‌کند، به کنوله [= کندوله] بازمی‌گردد و تا آخر عمر خانه‌نشین می‌شود (مردوخ روحانی، ۱۳۹۰: ۱/۲۳۹).

در سروده‌هایی که به پایمردی دوست نسخه‌پژوه، محمد رستگار رضاقلی به دست نگارنده رسیده و البته محمد رشید امینی هم در کتاب که شکولی شاعیرانی هه‌ورامان (صص ۴۱۵-۴۱۸) آن‌ها را چاپ کرده است، الماس خان در پاسخ نامه‌ی میرزا شفیع، خود را «پابند بندِ بلا»، «چون مرغ در قفس و قعر قلعه» و «گرفتار عذاب سخت» دانسته است:

خاطر شادنی میرزام شادی تو، خاطر شادنی...

نَک چون من پابند بندِ بلانی مرغ آسا قفسِ قعرِ قَلانی...
 مندهی مینتی ماوام مزارن قوتم قلیانن، قنیاتم ژارن
 میرزام مونس^۲ من گاز مازن صفایی صفام، سر نیش خارن
 میرزام شادی^۳ تو، شادیت و بختن «الماس»^۴ گرفتار عذاب^۵ سختن
 (کندوله‌ای، نامه‌های الماس‌خان، a)

برگردان:

خاطرت شاد است؛ ای میرزا [شفیع] تو خاطری شاد داری / مانند من نیستی
 که پابند بندِ بلا باشی و همچون مرغ گرفتار در قفس، در قعر قلعه جای بگیری. /
 من محنت کشیده‌ای هستم که جایگاهم در خور مزار است. قلیان تنها خورد من، و
 شکیبایی ام زهر [=اندوه] شده است. / ای میرزا، مونس من نیش مار و نهایت صفایم
 گزند خاران گشته است. / میرزا، تو شاد هستی و بختت با سرور و شادمانی سرشته
 شده؛ این الماس است که گرفتار عذابی سخت گشته است.

از این ابیات آنچه دریافت می‌شود، این است که الماس‌خان در تنگنا و گرفتاری
 بوده است؛ آیا واقعاً در قلعه زندانی بوده و یا روزگار خود را چونان زندانیان در
 بند می‌دانسته است؟! شاعر در سروده‌ای دیگر، از کاستی گرفتن جایگاه، کم شدن
 اعتبار، غربت در شهرها و گرفتاری خود سخن رانده است (همان: a۳). سؤال این
 جاست که الماس‌خان در کدام شهر زندگی می‌کرده که غریب بوده است؟ مسلماً
 کندوله در آن زمان هم دهی بیش نبوده است. اگر بتوان پذیرفت که منظور شاعر از
 غربت در شهرها، مرادش کندوله بوده، پس زادگاه وی نمی‌تواند کندوله باشد؛ زیرا
 در زادگاه خود بودن، غربت به حساب نمی‌آید.

یکی از منابعی که از آن دقایقی از زندگی الماس‌خان به دست می‌آید، سوگ‌نامه‌ی
 میرزا شفیع در رثای اوست. در این سروده، افزون بر «به‌جای نماندن فرزند برای
 الماس‌خان»، به «مهارت وی در تنبور نوازی» نیز اشاره شده است:

دُمای الماس‌خان، خان لال شیوه کزه‌ی تمویره کس نیو پیوه
 (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۰۳)

برگردان:

پس از [درگذشت] الماس‌خان، که بسان لعل خوش‌چهره بود، دیگر صدای محزون
 تنبور از کسی شنیده نمیشود.

بنا بر نسخه‌ی خطی جنگنامه‌ی نادر محفوظ در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی به شماره‌ی ۱۳۶، الماس خان تا هنگامه‌ی «محمدخان زند» و تصرف قلعه‌ی نادری در کرمانشاه در سال ۱۱۶۶ ق. در قید حیات بوده، چنان‌که شاعر از زبان قلعه سوگ‌نامه‌ای سروده است (کندوله‌ای، جنگنامه‌ی نادر، ۸۶). قلعه‌ی کرمانشاهان که در زمان نادرشاه ساخته شده بود، یکی از مجهزترین قلعه‌های ایرانی از نظر استحکام و تجهیزات جنگی بود، که بعدها به دست محمدخان زند ویران شد (ر.ک: گلستانه، ۱۳۴۴: ۱۵۲-۱۶۳ و ۱۹۴-۲۰۲ و ۲۲۰-۲۳۱ و ۲۶۲؛ پری، ۱۳۶۸: ۳۵ و ۵۲ و ۵۷ و ۵۸ و ۶۴-۶۶؛ ورهرام، ۱۳۶۶: ۴۵ و ۴۶؛ زندیه و ویسی، ۱۳۹۳: ۳۷-۴۱؛ نامی، ۱۳۱۷: ۳۱ و ۳۳). اکنون خرابه‌ی قلعه در شهرک الهیه کرمانشاه قابل مشاهده است (زندیه و ویسی، ۱۳۹۳: ۴۱).

الماس خان هنگام اتمام نادرنامه، دوران کهولت و پیری را به سر می‌برده است:
 آر کم و کاسی ژ نظمم یاوان گنای من نین نگیرن تاوان
 ژو دم یه واتم سکّم سفید بی ژ دور دنیا دل ناامید بی
 درونم ژ غم تار [و] تاریک بی نشاط نظام نظمم باریک بی
 (کندوله‌ای، جنگنامه‌ی نادر، ۸۷)

برگردان:

اگر کم و کاستی‌ای در نظم و سروده‌ام هست، گناه از من نیست و مرا مؤاخذه نکنید. /
 آن‌گاه که این منظومه را سرودم، محاسنم سفید و دل از گردش گیتی ناامید بود. / درونم
 از اندوه، تاریک شده و انگیزه‌ی شاعری‌ام کاستی گرفته بود.

۷- تاریخ وفات و آرامگاه

چند تن از محققان به تاریخ وفات الماس خان اشاره کرده‌اند، اما برای تاریخ به دست داده، هیچ‌گونه دلیل و مدرکی ارائه نکرده‌اند. صالحی و سلطانی بر آن بوده‌اند که الماس خان در نیمه‌ی دوم قرن دوازدهم، حدود سال ۱۱۸۰ ق. در قید حیات بوده و احتمالاً مرگ او در اواخر قرن دوازدهم در فاصله‌ی ۱۱۹۰ تا ۱۲۰۰ ق. اتفاق افتاده است (صالحی، ۱۳۸۰: ۱۶۵؛ سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۰۱). صفی‌زاده ۱۱۹۱ ق. (۲۰۰۸: ۳۶)، خه‌زنه‌دار ۱۷۷۶ م. / ۱۱۹۰ ق. (۲۰۰۲: ۵۹)، و گجری و یزدان‌پناه نیز ۱۱۹۰-۱۲۰۰ ق. را تاریخ وفات شاعر دانسته‌اند (گجری، ۱۳۷۸: ۲۷۲؛ یزدان‌پناه، ۱۳۸۴: ۱۲۰۰).

۱۹). آنچه مسلم است و از نادرنامه به دست می‌آید، الماس‌خان تا سال ۱۱۶۶ ق. که قلعه‌ی کرمانشاه به دست محمدخان زند ویران شد، در قید حیات بوده و پیش از میرزا شفیع فوت کرده؛ زیرا میرزا شفیع در رثای وی سوگ‌نامه‌ای سروده است. صالحی (۱۳۸۰: ۱۶۸) و گجری (۱۳۷۸: ۲۷۲) محل دفن الماس‌خان را روستای کندوله و در قبرستانی واقع در امامزاده محمدحسین معروف به «پیرافته» دانسته‌اند. افسانه‌ای هم از فرجام زندگی الماس‌خان نقل شده که در آن عامّه کوشیده‌اند، زندگی وی را با استاد طوس مطابقت دهند. بی‌گمان این روایت تنها بیانگر علاقه و پیوستگی مردم منطقه با الماس‌خان کندوله‌ای است و نباید از آن رویدادی تاریخی متصور شد، بلکه ساخته و پرداخته‌ی ذهن توده‌ی مردم است: مردم منطقه بیلوار و گلیایی در مورد سرنوشت الماس‌خان میگویند: چون شاهنامه گردی سردار الماس‌خان به انجام رسید، نادر کسی را در پی وی فرستاد با خلعت و دینار تا او به دربار بازگردد، اما چون قاصد نادر به سرحدات کندوله میرسد، مردم پیکر بیجان الماس‌خان را در تابوت چوبین بر دوش و در میان نوای دُهل و سرنا و چمری مردان و مویه‌ی زنان به گورستان می‌بردند. این روایت مردم آن دیار، درست یا نادرست نشان از اشتراک سرنوشت مصنف یا مؤلف شاهنامه‌ی گردی با پایان زندگی سراینده‌ی شاهنامه فارسی، حکیم طوس دارد و داستان همیشگی بی‌مهری شاهان نسبت به اندیشمندان را تکرار مینماید (شریفی، ۱۳۷۴: ۹۴۷).

۸- اعتقادات

الماس‌خان شیعه بوده و در آثارش (به‌خصوص در ابتدای نادرنامه) بارها اندیشه و عقیده‌ی خود را نمایان ساخته است. در برخی از کتاب‌ها و مقالات، پژوهشگران بنابر مناجات و تمیذیه‌هایی که در ابتدای نسخه‌های منظومه‌های پهلوانی گردی آمده، در تحلیل مذهب الماس‌خان کوشیده‌اند. بایستی یادآور شد تا هنگامی که روشن نشود چه منظومه‌هایی از این شاعر است، انتساب هرگونه عقیده و اندیشه به الماس‌خان امری بیهوده و نارواست.

همراه با نادرنامه‌ی موجود در سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی ایران به شماره‌ی بازیابی ۷۲۵۵-۵، ابیاتی از الماس‌خان آمده که به صورت پند و اندرز مطالبی را بیان داشته است. این ابیات در فرجام نسخه‌ی شیرین و خسرو کتابخانه‌ی ملی دانه‌ارک

به شماره‌ی ۵۴. cod. pers. add هم تحت عنوان «پندیات گفتن الماس‌خان» آمده است. در این سروده، می‌توان به پاره‌ای از عقاید و خُلقیات شاعر پی بُرد، از جمله:

پندم پی سالان بگیرین نه گوش حرف گفتارم مکن فراموش...
 ژ نطفه‌ی خَلَف مَوینی مِراد نطفه‌ی ناخلف سَر مَدُوت نه باد
 ناخَلَف ژ گِشت موی پشیمان؛ ژ سر و ژ مال، ژ دین و ایمان
 ژ نسل ناپاک مَبندن امید سیاه به شستن نمبو سفید
 ژنان ژ پهلوی چپ آفریدن کس ژ چپ راسیش هرگز ندیدن
 مکن رفیقی چنی هرجائی چنی هرزه‌گرد مکن همراهی...
 چنی هرزه‌گو مبون هام‌کلام ژ کج‌کلامان نین عقل و فام...
 چنی زناکار مَبَر همسایه ناموس نیکت مَدی و ضایه...
 دشمن نه دلیل مشماره حقیر ایمن مبر ژیش موانش فقیر
 عاقبت میون موری به ماری نه وقت ویش دا به شهریاری
 به ناکس مَکر رازِ نهانی ژ واته‌ی واتت خَجَل ممانی
 ناکس بنیشو نه تخت شاهی هر هانه خیال کِسَم گدائی
 پند پر حروف واته‌ی الماسن اگر مقدور بون هر خاصی خاسن
 (ن.خ: شیرین و خسرو، ۲۰۰۵-۲۰۰۷b)

برگردان:

پندم را برای سال‌های [مدید] آویزه‌ی گوش کنید و گفتارم را از یاد نبرید. / از نطفه‌ی خَلَف به آمال و اهداف خود می‌رسی، اما نطفه‌ی ناخلف سرت را به باد می‌دهد. / فرزند ناخلف [کاری می‌کند که] از همه‌چیز پشیمان شوی؛ از جان، مال، دین و ایمان. / امیدی به نسل ناپاک نداشته باشید، که [جامه‌ی] سیاه با شستن سپید نخواهد شد. / زنان را از پهلوی چپ آدم آفریدند. هرگز کسی از چپ، راستی ندیده است. / با انسان هرجایی و هرزه‌گرد رفاقت و همراهی نکنید. / با هرزه‌گو هم‌کلام نشوید؛ [زیرا] یاره‌گو عقل و فهم [درستی] ندارد. / با زناکار همسایه نشو؛ [چرا که] ناموس شایسته‌ی خود را تباه خواهی کرد. / دشمن را حقیر و فقیر مپندار و از او ایمن مباش؛ / چون که سرانجام مور، ماری خواهد شد و در وقت خود [چه بسا] به شهریاری برسد. / راز نهان و مگوی خود را با فرد ناکس در میان منه، چون از گفته‌ی خود شرم‌منده خواهی شد. / اگر «ناکس» به تخت شاهی هم بنشیند، پیوسته در فکر و

خیال پیشه‌ی گدایی است. / این سخنان پند مفصل «الماس» است؛ اگر مقدور باشد، سزاوار است همواره نیکی کرد.

۹- آثار الماس‌خان

به دلیل فقدان تحقیقات علمی در این باره، بیشتر منظومه‌های پهلوانی در ادب‌گردی را به الماس‌خان کندوله‌ای نسبت داده‌اند. نگارنده با تأمل در نسخه‌های خطی گورانی، نتوانست هیچ منظومه‌ی پهلوانی که تخلص «الماس» داشته باشد، در کتابخانه‌های ایران و جهان مشاهده کند. بنابراین آگاهانه از معرفی منظومه‌ها و سروده‌هایی که در انتساب آن‌ها به الماس‌خان جای تردید است، خودداری کرده و تنها آثاری را که بی‌گمان از آن شاعر است، معرفی نموده است.

الف) جنگ‌نامه‌ی نادر / نادر و توپال / نادرنامه

این اثر را الماس‌خان پس از سال ۱۱۶۶ ق. (یعنی پس از مرگ نادر ۱۱۶۰ ق. و ویرانی قلعه‌ی نادری در کرمانشاه به دست محمدخان زند به سال ۱۱۶۶ ق.) سروده و تاکنون از آن نسخه‌های زیر شناسایی شده است:

نسخه‌ی جنگ‌نامه‌ی نادر که در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی به شماره‌ی ۱۳۶ نگهداری می‌شود. کاتب نسخه، فرج‌الله بن عزیزالله ترکاشوند بوده که در سال ۱۲۷۷ ق. برای مُلا محمدمراد ولد نورعلی زنگنه، آن را در ۱۷۹ صفحه به خط تحریری کتابت کرده است.

آغاز افتاده:

سپاه آخیز کرد پوشا روی سارا حاضر بی و حکم سرهنگِ دارا
برگردان:

سپاه به فرمان سرهنگِ دارا [= نادر] به جنبش درآمد و پهنه‌ی صحرا
را پوشاند.

انجام:

سنه هزار بی صد و چهل [و] هفت منده منده مند، رفته رفته رفت
برگردان:

سال [سرایش] ۱۱۴۷ ق. بود که مانده، ماند و رفته، رفت.

لازم به یادآوری است که پس از این بیت، بیت الحاقی «هزاران درود، هزاران

سلام / ز ما بر محمد علیه السلام آمده که در پایان بیشتر منظومه‌های غنایی و پهلوانی گورانی افزوده شده است. به زعم نگارنده، بیت سست انجام منظومه، برافزوده‌ی کاتب است که به اشتباه تاریخ سرایش اثر را ۱۴۷ ق. دانسته است. این تاریخ به هیچ وجه نمی‌تواند صحیح باشد؛ زیرا هم‌چنان که گفته شد، در متن کتاب از نحوه‌ی کشته شدن نادر (۱۱۶۰ ق.) و وقایع پس از آن سخن رفته است.

نسخه‌ی دومی از این منظومه تحت عنوان قراردادی «نادرنامه» به شماره‌ی ۱۳۶۹۰، در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی محفوظ است. نسخه دارای ۱۰۳ برگ و در آغاز و پایان افتادگی دارد. ۱۹ صفحه‌ی آغازین نسخه نونویس و از کاتب و سراینده در متن آن سخنی نرفته است.

آغاز افتاده:

سالی جه سالان شاه حسین جه تخت جه اصفهان دا تعیین بی وَ جخت
برگردان:

هنگامی که [= در یکی از سال‌ها که] شاه حسین در اصفهان با شتاب به تخت نشسته بود...

انجام افتاده:

محمدخانی بی زند زبردست خروش کرد خیزا سردارِ سرمست
برگردان:

محمدخان، سرداری زبردست، از قوم زند به پا خاست و خروش برآورد.

نسخه‌ای دیگر از این منظومه تحت عنوان «نادر» همراه با «پندنامه‌ی الماس» (گ ۱-۵) و منظومه‌ی پهلوانی گردی «هفت خوان» (گ ۱۱۱-۱۳۱) در سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی ایران به شماره‌ی بازیابی ۷۲۵۵-۵ موجود است. کاتب نسخه «سیّد صفرعلی موسوی»، ساکن قریه‌ی عباس‌آباد بوده که در سال ۱۳۰۵ ق. منظومه‌ی نادر را (گ ۵-۱۱۰) به خط تحریری کتابت کرده است. در متن منظومه‌ی هفت خوان نام سراینده نیامده است.

آغاز:

قیوم قادر قادر قدرت، قیوم قادر
برگردان:

پاینده‌ی توانا؛ توانای نیرومند و پاینده‌ی توانا.

انجام منظومه، پیش از بیت الحاقی «هزاران درود...»:

هر که بوانو یاران و دلشاد و سوره‌ی فاتحه «الماس» بکن شاد
برگردان:

هر یک از یاران [این منظومه را] با دلی شاد بخواند، [سزاوار است] روح الماس
را با قرائت فاتحه‌ای شاد کند.

نسخه‌ای از نادرنامه به شماره‌ی Hs. or ۹۷۷۵ در کتابخانه‌ی دولتی برلین
نگهداری می‌شود که آغاز و انجام آن افتاده است. این نسخه دارای ۴۵ برگ و خط
آن نستعلیق و در هر صفحه ۱۳-۱۶ بیت کتابت شده است. در نسخه پارگی اوراق،
افتادگی و آثار رطوبت مشهود است. در حاشیه‌ی گ ۱۶۲ آمده است: «این یادگاری
رحمت‌الله بزرگداریان است به تاریخ ۳۰ / ۹ / ۳۰» و نیز در حاشیه‌ی ۳۷۲: «یادگاری
فدوی محمدحسین شوربلاغی فرزند مرحوم هادی‌خان شاپورآبادی در تاریخ
۱۳۲۶ نوشتم تا بهاند یادگار؛ من نه‌انم خط بهاند روزگار».
آغاز افتاده:

لرزان گریزان سران سرنگون بدن غرق خون تونا بین و تون
برگردان:

[عده‌ای] در حالی که می‌لرزیدند و گریزان بودند، از پای درآمدند؛ بدنشان غرق
خون بود و نابود شدند [تون نام شهری در نزدیکی طبس که در میان‌گردان به شومی و
مایه‌ی عبرت شدن شهره است].

انجام افتاده:

القصه شیران شیدای شور جنگ رومی روالان فرسنگ و فرسنگ
برگردان:

خلاصه شیران جنگجوی ایرانی [سپاه] رومی را تا چند فرسنگ فراری دادند.

نسخه‌ی دیگر از این منظومه‌ی تاریخی به شماره‌ی Ms. or. oct ۱۱۵۴ در
کتابخانه‌ی دولتی برلین موجود است.

شادروان اسفندیار غضنفری امرائی نسخه‌ای از نادرنامه را در سال ۱۳۴۹ به مراد
اورنگ تقدیم کرده که اکنون در کتابخانه‌ی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی تهران با
شماره‌ی ۴۶ نگهداری می‌شود. نسخه ۱۲۳ برگ دارد و خط آن نستعلیق و در هر
صفحه ۱۲ بیت کتابت شده است. نسخه از آغاز و انجام افتادگی دارد و در متن از

کاتب و سراینده سخنی نرفته است. در صفحه‌ی پیش از برگ نخست، توضیحاتی تُنویس بدین گونه آمده است: «سرهنگ الماس‌خان کندوله‌ای - این کتاب نادرنامه را حضور سرور ارجمندم، استاد مراد اورنگ تقدیم می‌کنم - اسفندیار غضنفری امرائی ۱۱/۴/۱۳۴۹».

آغاز افتاده:

قصد قشمشاه قاتلی قمتال آشوی اشکپوس شیدایی شهبال
برگردان:

عزم و قصد قشمشاه و دلاوری قمتال؛ هنگامه‌ی اشکبوس و شیدایی شهبال!

انجام افتاده:

وَ یک گیچ گرد قهر قادری نه نادریش من نه هم نادری
برگردان:

با یک [یورش] و قهر چرخِ قادر، نه «نادر» ماند و نه شخصی که یگانه‌ی روزگاران باشد.

شایان ذکر است که مرحوم ایرج بهرامی نسخه‌ی یادشده را تحت عنوان «نادرنامه: نادر و کوپال» در مجلد سوم کتاب شاهنامه‌ی کُردی (۱۳۸۸) با دگرگونی و تغییر ناروای واژگان چاپ کرده است. همچنین نسخه‌ی یادشده با نام «نادرنامه‌ی لکی» به تصحیح اسفندیار غضنفری امرائی و به کوشش اسعد غضنفری، در سال ۱۳۹۵ خ. به وسیله‌ی انتشارات شاپورخواست خرم‌آباد به طبع رسیده است.

در کتابخانه‌ی شخصی سیّد ناصر میبیدی کرمانشاه، نسخه‌ای از این منظومه با نام «نادرنامه (شاهنامه‌ی نادر)» با شماره‌ی ۲۳۱ موجود است. نسخه دارای ۱۴۲ برگ و خط آن نستعلیق و در هر صفحه ۱۲ بیت کتابت شده است. تاریخ کتابت سه‌شنبه دهم ذی‌الحجه ۱۳۵۸ ق. بوده است.

بیت آغازین منظومه با نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملی همخوان است:

قیوم قادر قادر قدرت، قیوم قادر

انجام:

سنة هزار بی سه پنجاه و نو نبرد نادر آوردیم او کو

برگردان:

سال ۱۱۵۹ ق. [۹+۵۰×۳+۱۰۰۰] بود که ماجرای نبردهای نادر را گردآوردیم. بدون تردید این بیت هم الحاقی است؛ زیرا در متن منظومه از کشته شدن نادر (۱۱۶۰ ق.) و خرابی قلعه به دست محمدخان (۱۱۶۶ ق.) سخن رفته است. نسخه‌ای دست‌نویس از نادرنامه در کتابخانه‌ی شخصی قدرت قزوینه‌ای ساکن کنگاور، محفوظ است. این نسخه در ۷۰ برگ و ۳۰۰۵ بیت نوشته شده است.

آغاز:

قیوم قادر نظام نصرت نادره‌ی نادر^۷

برگردان:

پاینده‌ی توانا؛ سامان‌دهنده‌ی یاریگر و بی‌همتای بی‌مانند.

انجام:

ز سهم هیبت نمائنه قصاصان ویت بستاننه
برگردان:

[کجایی ای نادر که] از شکوه و هیبت تو [کشندگان] زنده نمانند. [کاش بودی و] خون خود را از کشندگان می‌ستاندی.

کاتب پیش از آغاز منظومه، دو بیت فارسی و ۲۳ بیت به گویش لکی در بی‌اعتباری جهان و نام و نشان خود آورده است. نام او «علی فرزند الله‌داد» بوده، چنان‌که سروده است:

نامم علی هن، پدر الله‌دای صلواتی ختم کن، بد و ریتان نای
برگردان:

نامم «علی» و اسم پدرم، «الله‌داد» است. صلواتی ختم کنید، [امید که] بد نبینید.

۹. نسخه‌ای که محمدعلی قره‌داغی، از نسخه‌پژوهان گرد عراقی، آن را در کتاب که شکولی که له‌پووری ئه‌ده‌بی کوردی معرفی کرده است. کاتب در پایان نسخه نوشته است: «تمت شد کتاب نادرشاه ایران از دست کمترین خادم الفقراء الحسنی مهدی برای جناب رشید هموند در روز پانزدهم ربیع‌الثانی سنه‌ی ۱۳۵۶، مبارک باد» (قره‌داغی، ۲۰۱۱، ۷/۹۰).

۱۰. در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران هم نسخه‌ای با نام «جنگنامه‌ی نادری»

به شماره‌ی ۳۳۸۱- ف نگهداری می‌شود. در این نسخه نام کاتب و تاریخ کتابت نیامده است [فیلم دانشگاه ۲/ ۱۳۳؛ نشریه ۶/ ۴۵۰؛ فهرستواره منزوی ۲/ ۹۶۳] (ر.ک: بیگ‌باباپور، ۱۳۹۴: ۱۷). بیدکی این نسخه را میکروفیلم نسخه‌ی کتابخانه‌ی مجلس به شماره‌ی ۱۳۶ دانسته است (بیدکی (الف)، ۱۳۹۵: ۷۸).

شایان ذکر است، شکر مصطفی منظومه‌ی نادرنامه را با رسم‌الخط کُردی در «هه‌ولیر» تحت عنوان «نادرنامه‌ی ئەلماس‌خانی که‌هور» چاپ کرده است (ئاراس، ۲۰۰۰). به‌تازگی نیز مظهر ادوای این منظومه را به صورت انتقادی تصحیح و ترجمه، و به‌وسیله‌ی نشر ققنوس روانه‌ی بازار نموده است (تهران، ۱۳۹۶). افزون بر این، مجتبی کولیوند، امین گجری شاهو، کاروان عثمان خیاط و قدرت قزوینه‌ای به صورت جداگانه نادرنامه را تصحیح کرده‌اند و در چرخه‌ی چاپ دارند.

ب) شیرین و فرهاد/ شیرین و خسرو/ خسرو و شیرین
در ادب کُردی چندین «شیرین و فرهاد» سروده شده که یکی از آن‌ها متعلق به الماس‌خان کندوله‌ای است. از این منظومه پنج نسخه شناسایی شده که عبارت است از:

در کتابخانه‌ی ملی دانمارک، نسخه‌ای تحت‌عنوان «شیرین و خسرو» به شماره‌ی cod.pers.add.۵۴ محفوظ است. در سرنویس این نسخه آمده است: «بسم الله الرحمن الرحیم؛ هذا کتاب شیرین [و] خسرو من کلام الماس‌خان». کاتب در ترقیمه نوشته است: «تمته‌ی الکتب بعون الملک الوهاب و تمام کتاب شیرین و خسرو من کلام مُلا الماس‌خان به تاریخ شهر جماد[ی] الثانی سنه ۱۳۰۶». نسخه دارای ۲۰۸ برگ است که خط ۲۵ برگ نخست و گ ۱۸۷-۲۰۸، تحریری و سایر برگ‌ها نستعلیق است. در نسخه ۲۹ تصویر نقاشی با آب‌رنگ وجود دارد.

آغاز:

اوّل هم به اسم الله اکبر رحمان رحمت، رحیم و رهبر^۸
برگردان:

ابتدا با نام خداوند بزرگ و بلندمرتبه [آغاز می‌کنم؛ خداوندی که] بخشاینده‌ی برکت و مهربان و راهبر است.

انجام:

اول ژ تقصیر شیعیان بگذر دوم ای عاصی^۹ کمینه‌ی کمتر
برگردان:

نخست از کوتاهی شیعیان درگذر، سپس از این بنده‌ی حقیر کمتر.
پس از این، کاتب ایباتی سُّست بر متن افزوده است:

هزاران درود هزاران سلام ز ما بر محمد علیه سلام
هزاران درود، هزاران تُحَف ز ما باد بر شاه‌مردان نجف
خدایا پیامرز خواننده را نویسنده و هم شنونده^{۱۰} را
همه اهل مجلس صغار^{۱۱} و کبار پیامرز ای قادر کردگار
ز مجلس رحمت یزدان کسی باد که کاتب را به الحمدی کند یاد
هرکه خواند دعا طمع^{۱۲} دارم زانکه من بنده گنه‌کارم
هرکه این خط را سیاه کند علی جگرش را کباب کند
نسخه‌ای دیگر از این منظومه‌ی غنایی با عنوان قراردادی «شیرین و فرهاد» به
شماره‌ی ۵۸۶ در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی موجود است. آغاز و انجام
نسخه افتاده و در ۱۱۰ برگ به خط نستعلیق کتابت شده است. نامی از سراینده و
کاتب در متن به چشم نمی‌آید، اما با نسخه‌ی «شیرین و خسرو» کتابخانه‌ی ملی
دانشگاه تهران همخوان است.

آغاز افتاده:

شوی هریزا خسرو به یقین پنهان چه هرگز مرکبش کرد زین
برگردان:

شی خسرو مصمم برخاست و مرکب خود را پنهان از چشم هرگز زین کرد.
انجام:

دشمنی تاز ساو غرقن نه جگرش الوانن به خون سر تا پای برگش
برگردان:

دشمنی تازه صیقل داده شده بر جگرش فرورفته و تمام وجودش را خونین کرده
بود.

در کتابخانه‌ی دولتی برلین نسخه‌ای از «شیرین و فرهاد» با شماره‌ی Hs. or ۹۷۷۷ محفوظ است. نسخه دارای ۱۵۰ برگ و خط آن نستعلیق تحریری است.
کاتب در ظاهر نسخه نوشته است: «بسم الله الرحمن الرحیم؛ یعنی به نام خداوند

روزی دهنده‌ی رحمت‌کننده. هذا کتاب شیرین و فرهاد گفته‌ی خود مُلا الماس‌خان کندوله‌ی به دست خط این حقیر سر تا پا تقصیر محمدرحیم کرمانشاهانی اتمام پذیرفت و این کتاب تعلق دارد به استاد علی اصغر طباخ. هرکس بخواند این حقیران را به دعای خیر یادآوری کند، خداوند پدر و مادرش را بیامرزد و اگر غلطی داشته باشد، عفو بفرماید، به تاریخ چهارشنبه پنجم ربیع‌الثانی ۱۳۳۲. هرکس که خیال حرامی درباره‌ی این کتاب داشته باشد، لعنت خدا بر پدر و مادرش، والسلام».

آغاز:

اوّل و نام خدای بی‌نیاز پادشاه بی‌عیب کریم کارساز
برگردان:

ابتدا به نام خداوند بی‌نیاز؛ پادشاه بی‌عیب و بخشنده‌ی کارگشا.

انجام:

ستم‌کشیده‌ی روزگاران ژ کرده‌ی خراب شرمساران
برگردان:

ستم‌کشیده‌ی روزگارم و از کردار ناشایست خود شرمنده‌ام.

در کتابخانه‌ی دولتی برلین نسخه‌ای دیگر تحت عنوان «خسرو و شیرین» به شماره‌ی Petermann II Nachtrag ۱۳ موجود است. خط نسخه نستعلیق تحریری و دارای ۱۴۲ برگ است که در هر صفحه ۱۴ بیت کتابت شده است. کاتب در ترقیمه آورده است: «تمت الکتاب بعون الملک الوهاب کتاب خسرو [و] شیرین علی ید الحقیر عبدالرحمن ابن ملاً رستم غفر الله لهما ۱۲۴۱».

بیت آغازین نسخه همچون نسخه‌ی «شیرین و خسرو» کتابخانه‌ی ملی دانمارک است:

اوّل هم به اسم الله اکبر رحمان رحمت، رحیم رهبر
انجام پیش از بیت «هزاران درود...»:

خیمه خیامان بردشان تاراج وینه‌ی راه‌داران مگرتشان باج
برگردان:

خیمه‌ی خیمه‌دوزان را به تاراج بردند و بسان راه‌داران باج می‌ستانند.

در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران هم نسخه‌ای از «شیرین و فرهاد» به شماره‌ی ۴۷۷۲ به خط شکسته نستعلیق و به کتابت هادی کرمانشاهی نگهداری می‌شود. این

نسخه دارای ۱۱۰ برگ و در هر صفحه‌ی آن ۱۳ بیت کتابت شده است. صفحه‌ی نخستین بریده شده و نیمه‌های چندین بیت و مصراع افتاده است. درباره‌ی این نسخه ر.ک: (فهرست کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران، ۱۴/۳۸۱۷؛ بیگ باباپور، ۱۳۹۴: ۴۷؛ بیدکی (ب)، ۱۳۹۵: ۲۰۶).

آغاز:

کریم کارساز، کار به دست آسان [شهزاده‌ی] شریف رهبر شناسان
برگردان:

بخشنده‌ی کارگشایی که به آسانی کارها را سامان می‌بخشد. شهزاده‌ی شریفی که رهبر و شناساننده است.

انجام پیش از بیت الحاقی «هزاران درود...»:

یه واتهی الماس درد دل نه بار پی شادی شوان یاوران یار
برگردان:

این گفته‌ی الماس خان است که درونی اندهگین دارد؛ [این منظومه سروده شد] برای شادی شب‌های یاران همدم.

شایسته‌ی یادآوری است که گجری این منظومه را تحت عنوان شیرین و فرهاد در سال ۱۳۷۳ خ. (انتشارات سینا، قم) به طبع رسانده است.

ج) گربه و موش

از منظومه‌ی کوتاه و نمادین گربه و موش سه نسخه شناسایی شده است:

۱. نسخه‌ای از گربه و موش که همراه با اشعاری پراکنده از الماس خان در جُنگی به شماره‌ی Ms.or.oct ۱۱۷۸ در کتابخانه‌ی دولتی برلین نگهداری می‌شود. نسخه در ۹ برگ و ۱۷۵ بیت کتابت شده است. خط نسخه نستعلیق تحریری و در هر صفحه‌ی آن ابیات در سه ستون آمده است.

آغاز:

میرزام گوش بَدَر حالا وی بندت ساتی گوش بَدَر
برگردان:

ای میرزای من گوش فراده؛ اینک لحظه‌ای به سخنان این بنده‌ات گوش بسپار.

انجام:

یه الماس واتن بار غم نه دوش تالان زده‌ی دست سپای نیره‌موش
برگردان:

این سروده را الماس-که باری از غم به دوش دارد و غارت‌شده‌ی سپاه
نره‌موش‌هاست- گفته است.

۲. نسخه‌ای دیگر از این منظومه‌ی کوتاه گورانی در کتابخانه‌ی مجلس شورای
اسلامی به شماره‌ی ۹۷۸۸ موجود است. نسخه پنج برگ (۱۰۴ بیت) دارد و خط آن
نستعلیق تحریری است. در سرنویس نسخه آمده است: «گفته‌ی الماس‌خان، گربه و
موش». نام کاتب و تاریخ کتابت در متن نیامده است. پس از این منظومه، سروده‌ای
گورانی با سربند «چراخم و یاد» آمده که گوینده‌ی آن مشخص نیست.
آغاز:

میرزام گوش بدَر نیخاس^{۱۳} به حال بندت گوش بدَر
برگردان:

ای میرزای من گوش فراده؛ خوب به احوال [و سخنان] بندهات گوش بسپار.
انجام:

یه الماس واتن بار خم نه ور پری^{۱۴} یاوران یاران هامسر
برگردان:

این اشعار را الماس- که باری از غم به تن دارد- برای یاران و هم‌تایان سروده است.
۳. نسخه‌ای دیگر از گربه و موش در کشکولی خطی در کتابخانه‌ی شخصی
محمدعلی قره‌داغی محفوظ است که کاروان عثمان خیاط و محمدرشید امینی آن را در
مقدمه‌ی «داستانی مشک و پشیل» (۱۴: ۲۰۱۲) معرفی کرده‌اند. این نسخه دارای
۱۳۰ بیت بوده و نیمه‌های بسیاری از ابیات آن افتاده است. همراه با این منظومه‌ی
کوتاه، اشعاری هم از مولوی گُرد، شیخ رضا، سُکری و... آمده است (در این باره،
ر. ک: ادوای، ۱۳۹۱: ۸۷).

تا جایی که نگارنده اطلاع دارد، گربه و موش سه بار چاپ شده است: نخست،
عثمان خیاط و امینی به صورت مشترک این منظومه را در سال ۲۰۱۴م. در شهر
سلیمانیه (انستیتوی کلپوری گُرد) چاپ کرده‌اند و پس از آن، مظهر ادوای گربه و
موش را همراه با رساله‌ای دیگر تحت عنوان دو رساله‌ی تاریخی و ادبی هورامان
در سال ۱۳۹۴ (نشر احسان) به طبع رسانده است. امینی بار دیگر در که‌شکولی

شاعیرانی هه ورامان، منظومه‌ی گریه و موش را آورده است (امینی، ۱۳۹۶: ۴۳۳-۴۴۳).

د) اشعار پراکنده

سروده‌ها و نامه‌هایی نیز از الماس خان به جای مانده که پژوهشگران برخی از آن‌ها را پیش از این معرفی کرده‌اند:

قره‌داغی در جلد هفتم کتاب که شکولی که له‌پووری ئه‌ده بی کوردی سروده‌ای از میرزا الماس خان آورده است:

بیت نخست:

روی نمایِ شامِ وخت ایوار بی آفتاب نه پشت پرده پیوار بی
(قره‌داغی، ۲۰۱۱: ۱۳۱)

برگردان:

غروب و هنگام نماز شام بود؛ خورشید در پشت پرده پنهان شده بود.

بیت پایانی:

اوشی پی مسکن من جا مامه‌وه گرفتار به بند سودای خامه‌وه
(همان: ۱۳۴)

برگردان:

او به مأوا و مسکن خود بازگشت و من ماندم؛ [در حالی که] گرفتار بند سودایی خام شده بودم.

در حدیقه‌ی سلطانی، نامه‌ی تسلیت الماس خان به میرزا شفیع به مناسبت پیشامد ناگواری که برای او روی داده، آمده است:

بیت نخست:

شفیع دنیای دون وس بچونه فکر دور دنیای دون
(سلطانی، ۱۳۸۴: ۱/۱۰۴)

برگردان:

ای شفیع، دنیا پست و فرومایه است، پس کمتر به [مصیبت‌های] این دنیای دون بیندیش.

بیت پایانی:

هی داد هی بیداد هرچی بی ویرد نکرده کاران [بی و] داخ و درد
(همان: ۱۰۵)

برگردان:

ای داد و بیداد که هرچه بود گذشت؛ کارهایی که می‌بایست انجام گیرد، صورت
نپذیرفت و تنها مایه‌ی آه و اندوه شد.

این سروده با تغییراتی در کتاب که شکولی که له‌پووری ئه‌ده‌بی کوردی در شمار
اشعار میرزا شفیع (قره‌داغی، ۲۰۱۱: ۲۰۸-۲۱۰/۷) و در کتاب گلزار ادب لرستان
به نام الماس‌خان کندوله‌ای آمده است (غضنفری امرایی، ۱۳۶۴: ۴۱۲-۴۱۴).

در کتاب میژووی ئه‌ده‌بی کوردی، سروده‌های «شفیع دنیای دون»
(خه‌زنه‌دار، ۲۰۰۲: ۶۷ و ۶۸/۲) و «خوبه جنگ نین» از الماس‌خان نقل شده است:

بیت نخست:

خو به جنگ نین دیدم دلداری خوبه جنگ نین
(همان: ۶۵)

برگردان:

به جنگ و ستیز نیست؛ دیده‌ی من، دلداری با جنگ و ستیز حاصل نمی‌شود.

بیت پایانی:

نه چون تو ناشی دانه‌ی دُرّ نه‌ناس هر های نه سودای بی‌قدری الماس
(همان: ۶۶)

برگردان:

نه چون تو ناآزموده که دانه‌ی دُرّ را نمی‌شناسی و پیوسته در سودای بی‌ارزش کردن
«الماس» هستی.

از الماس‌خان مناجات‌نامه‌هایی هم باقی مانده که نگارنده‌ی این سطور، یکی از
آن‌ها را تصحیح و ترجمه و در شماره‌ی دوم مجله‌ی بساتین چاپ کرده است (حسینی
آبیاریکی، ۱۳۹۳: ۲۴۰-۲۵۳). نسخه‌ی «مناجات»، ضمن جنگی در کتابخانه‌ی
دولتی برلین به شماره‌ی Hs. or ۹۷۷۸ نگهداری می‌شود. خطّ نسخه تحریری و
دارای شش برگ و در هر صفحه ده بیت کتابت شده است. عنوان نسخه چنین آمده
است: «بسم الله الرحمن الرحیم، مناجات گفته‌ی الماس» و سروده با بیت ذیل آغاز
می‌شود:

ابتدا کردیم وَ نَامِ خِدا هَم جِن و هَم اِنْس، اَوْن بی همتا
برگردان:

با نام خدا آغاز می‌کنیم؛ [خدایی که آفریننده‌ی [جن و انسان است و همتایی ندارد.
کاتب در ترقیمه خود را «محمد رحیم ولد کریم» معرفی کرده است: «تمام شد
مناجات گفته‌ی مُلا الماس خان کندوله‌ی و کاتب محمد رحیم ولد مرحوم مشهدی
کریم. التماس دعا از برادران دینی دارم، باقی والسلام». گویا محمد رحیم، کاتب
دوم و یا چندمین نسخه بوده است؛ زیرا در ابیاتی که در پایان مناجات آمده، کاتب
«اصغر» دانسته شده است:

اَرهی عزیزان هوش بدین وَ هوش هَم ز فَاتحه باورین وَ یاد
«الماس» و «اصغر» نکین فراموش نُویسنده و کاتب بکرین آزاد
برگردان:

ای عزیزان با دقت گوش فرادهید و «الماس» و «اصغر» را از یاد مبرید؛ با قرائت
فاتحه‌ای از ما یاد کنید و نویسنده و کاتب را [با فاتحه‌ی خود از گرفتاری] آزاد نمایید.
در پایان منظومه‌ی شیرین و فرهاد کتابخانه‌ی دولتی برلین به شماره‌ی Hs. or
۹۷۷۷ مناجات الماس خان هم آمده است. مناجات در این نسخه، ۵ برگ است و
پاره‌ای از ابیات ناخوانا، و انجام آن افتاده است.

مناجات‌نامه‌ی دیگر متعلق به غفار ابراهیمی است که در هفت صفحه با خط
تحریری کتابت شده است. در سرنویس نسخه آمده است: «هذا مناجات‌نامه‌ی
الماس خان بسم الله الرحمن الرحيم». این مناجات‌نامه ۶۸ بیت دارد.
آغاز:

یا نوربخش نور جمع ستاران یا گناه‌آموز گشت گناه‌کاران
برگردان:

ای نوربخش تمام ستارگان و ای آمرزنده‌ی همه‌ی گناه‌کاران.
انجام:

بی‌یار و رنجور، بی‌حال و زبون هانا هر به تون یا ذات بی‌چون
برگردان:

بی‌یار، رنجور، بی‌حال و زبون گشته‌ام، ای ذات بی‌چون التجا تنها به [خداوندی]

توست.

اخوانیاتی هم از الماس‌خان و میرزا شفیع به‌جای مانده و تا جایی که نگارنده آگاهی دارد، دو نسخه از آن موجود است. نخست، نسخه‌ی کتابخانه‌ی شخصی محمد رستگار رضاقلی؛ این سروده‌ها در جنگی خطی - همراه با اشعاری از محزونی و مهجوری - در سه برگ کتابت شده است. نسخه‌ای دیگر هم در نزدیحیی محمدی است که ایشان نیز آن را در اختیار محمد رشید امینی قرار داده‌اند. امینی این نامه‌ها را به‌تازگی در کتاب که شکولی شاعیرانی هه‌ورامان (صص ۴۱۵-۴۱۸) با دخل و تصرف چاپ کرده است. سربند این اشعار عبارت است از: «خاطر شادنی» (۱۳ بیت) از الماس‌خان، «ارشادم نامت» (۳۵ بیت) از میرزا شفیع، «خاطر شادتن» (۲۰ بیت) و «خاطر شادنین» (۱۶ بیت) هر دو از الماس‌خان.

در جنگی خطی محفوظ در کتابخانه‌ی دولتی برلین به شماره‌ی Ms.or.oct ۱۱۷۸ اشعاری پراکنده از الماس‌خان - پس از منظومه‌ی گربه و موش، به کتابت «علی‌اکبر» (تاریخ کتابت: ۱۳۰۷ ق.) - آمده است. سربند این اشعار عبارت است از: «مَلام شاری دیم» (۶ بیت)، «بینای بی‌بدل» (۴۵ بیت)، «یاران شماره‌وا» (۲۷ بیت)، «یاران یاوران» (۵۰ بیت)، «راویاری بیم» (۳۲ بیت) و «یاران سرکانی» (۱۸ بیت). در جنگی خطی در کتابخانه‌ی دولتی برلین، سروده‌ی «زمستان برزن» (گ ۴۶-۵۰) در ۸۷ بیت از الماس‌خان و «محاریات جوانمیر و ملک نیازخان کندی» از میرزا درویش‌قلی کندی به شماره‌ی Hs. or ۹۷۷۴ آمده است. نسخه‌ی پر از اشتباهات املائی، و خط آن تا حدودی ناخوانا است.

از الماس‌خان «پندنامه» ای هم به‌جای مانده که نگارنده دو نسخه از آن در اختیار دارد؛ نسخه‌ای که پیش از منظومه‌ی «نادر» در سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران به شماره‌ی بازبایی ۷۲۵۵-۵ نگهداری می‌شود؛ و نسخه‌ای که در پایان منظومه‌ی «شیرین و خسرو» کتابخانه‌ی ملی دانمارک قرار گرفته است. شایان ذکر است که این دو نسخه در شمار و ضبط ابیات چندان همخوان نیستند. نگارنده‌ی این سطور، دیوان الماس‌خان کندوله‌ای را با توجه به نسخه‌های خطی مختلفی که در کتابخانه‌های ایران و خارج از کشور نگهداری می‌شود، تصحیح و ترجمه کرده و به‌زودی روانه‌ی بازار می‌شود.

۱۰- نتیجه‌گیری

الماس‌خان از شاعران برجسته‌ی گُردِ گورانی سرای در قرن دوازدهم هجری است. در اشعارش «الماس» تخلص می‌کرده و در ظُهر و سرنویس نسخه‌های خطی به «کندوله‌ای» بودن وی اشاره شده است. نام پدر شاعر را «احمدخان» نوشته‌اند، اما با توجه به سرنویس نسخه‌ی خطی اسفندیار و رستم محفوظ در کتابخانه‌ی دولتی برلین، و با پذیرش صحت نسخه، پدر الماس‌خان، «رضاخان» نام داشته و منظومه‌ی یادشده را او سروده است. الماس‌خان را با عناوینی چون «مُلا»، «میرزا» و «سرهنگ» یاد کرده‌اند و مراد از الماس‌خان گُردستانی و کلهر، همان الماس‌خان کندوله‌ای است. به‌رغم برخی روایت‌ها، چندان پذیرفتنی نیست که نادرشاه به سبب شکست از توپال پاشا عثمانی، الماس‌خان را مقصر دانسته و وی را مقطوع‌النسل کرده باشد. شاعر در سروده‌هایش به «تحصیل‌داری» به فرمان «خانِ پُر کینه» اشاره کرده و چنین می‌نماید که کدورتی بین او و خان اردلان روی داده، به همین سبب از مقام خود- که گویا سرهنگی بوده است- به تحصیل‌داری نزول درجه یافته و و مأمور گردآوری مالیات شده است.

پژوهشگران بدون سند و دلیل، تاریخ تولد شاعر را ۱۱۸۱ ق. و تاریخ وفاتش را در میان سال‌های ۱۱۸۰ تا ۱۲۰۰ ق. نوشته‌اند. در نادرنامه، به ویرانی قلعه‌ی نادری به دست محمدخان زند اشاره شده است؛ این رویداد به سال ۱۱۶۶ ق. رخ نموده، پس شاعر تا این تاریخ در قید حیات بوده است. از سوی دیگر الماس‌خان پیش از میرزا شفیع گُلیایی- دوست شاعر که خود تا اوایل قرن سیزدهم هجری زنده بوده- وفات کرده و میرزا شفیع در رثای او سوگ‌نامه‌ای سروده است. محل دفن الماس‌خان را روستای کندوله و در جنب امامزاده محمدحسین معروف به «پیرافته» دانسته‌اند. از منظومه‌ها و سروده‌های الماس‌خان چنین دریافت می‌شود که شاعر مذهب تشیع داشته و در منظومه‌ی نادرنامه می‌توان به راحتی به این موضوع پی بُرد. در «پندنامه» مفاهیم کلی اخلاقی و تعلیمی به صورت پند و اندرز بیان کرده است. در سال‌های واپسین زندگی‌اش که با میرزا شفیع اخوانیاتی ردّ و بدل کرده، در گرفتاری و تنگنا بوده و در جای‌جای این سروده‌ها، اندوه و یأس نمایان است.

به‌جز سه منظومه‌ی «نادرنامه/ نادر و توپال/ جنگ‌نامه‌ی نادری»، «شیرین و فرهاد، شیرین و خسرو/ خسرو و شیرین» و «گره و موش» و اشعاری پراکنده

شامل مناجات، پندنامه، اخوانیات و مثنوی‌های کوتاه هجایی که تخلص «الماس» دارند و یا در ظُهر و سَرنوِیس نسخه نام او آمده، انتساب اثری دیگر به وی امری منطقی و علمی نیست.

پی‌نوشت

۱. ترجمه‌ی متن کُردی به فارسی از نگارنده است.
- ۲ تا ۶. این واژه‌ها در اصل نسخه به‌ترتیب چنین آمده است: مونسَم، شاد، الماص، عاذاب، زایه.
۷. این واژه صحیح ضبط نشده است؛ زیرا مصراع نخست - که به صورت نیم‌مصراع و در پنج هجا می‌آید- و یا حداقل قافیه‌ی آن، بایستی در رکن دوم مصراع بعدی تکرار شود.
- ۸ تا ۱۵. اصل: رحبر، عاسی، شونده، سغار، تمع، نیخاص، پر بو، و بی.

منابع

الف) کتاب‌ها و مقالات

ادوای، مظهر (۱۳۹۱). «نسخه‌ی گربه و موش هورامی (اورامی)». پیام بهارستان، دوره‌ی دوم، سال پنجم، شماره‌ی هجدهم، صص ۸۱-۹۹.
امینی، محمدرشید (۱۳۹۶). که‌شکۆلی شاعیرانی هه‌ورامان. سنندج: انتشارات کردستان.

بهرامی، ایرج (۱۳۸۹). شاهنامه‌ی کردی، تهران: آنا.
بیدکی (الف)، هادی (۱۳۹۵). «کتاب‌شناسی توصیفی حماسه‌های خطّی کردی در کتابخانه‌های ایران». مجموعه مقاله‌های همایش شاهنامه پس از شاهنامه، به‌کوشش فرزاد قائمی، مشهد: به‌نشر، صص ۶۷-۹۰.

بیدکی (ب)، هادی (۱۳۹۵). «فهرست توصیفی متون خطّی کردی در کتابخانه‌های ایران: منظومه‌های دینی و عاشقانه». کشکول: فصلنامه اسناد و نسخه‌های خطّی مناطق گردنشین، سال دوم، شماره‌ی ۲۰۱، صص ۱۹۲-۲۲۱.
بیگ‌باباپور، یوسف (۱۳۹۴). دست‌نویس‌های کردی، ارمنی و زبان‌های باستانی در برخی کتابخانه‌های جهان. تهران: منشور سمیر.

پری، جان (۱۳۶۸). کریم‌خان زند. ترجمه‌ی علی محمد ساکی، تهران: نشر نو.
حسینی آباریکی، سید آرمان (۱۳۹۳). «نسخه‌های نویافته از شاعران کرد در کتابخانه‌ی دولتی برلین». بساتین، سال اول، شماره‌ی دوم، صص ۲۳۹-۲۶۰.
(۱۳۹۵). «نگاهی به منظومه‌ی گورانی هفت‌لشکر و معرفی نسخه‌های خطّی آن». پیام بهارستان، سال هشتم، شماره‌ی ۲۷، صص ۶۸-۹۸.

زندیه، حسن و فریبرز ویسی (۱۳۹۳). «رویکرد ایلات و طوایف کرمانشاهان در هم‌گرایی و واگرایی نسبت به حاکمان زندیه». پژوهشنامه‌ی تاریخ‌های محلی ایران، سال دوم، شماره سوم، صص ۳۶-۵۱.

سلطانی، محمدعلی (۱۳۸۴). حدیقه‌ی سلطانی. تهران: سپها، چاپ دوم.
شریفی، احمد (۱۳۷۴). «شاهنامه کردی». نمیرم از این پس که من زنده‌ام، به‌کوشش غلامرضا ستوده، تهران: دانشگاه تهران، صص ۹۴۷-۹۵۶.
صالحی، محی‌الدین (۱۳۸۰). سرود بادیه. سنندج: انتشارات کردستان.
صفی‌زاده بوره‌کھی، صدیق (۱۳۸۰). دایرة‌المعارف کردی. تهران: پلیکان.

(۲۰۰۸). میثروی و نیره‌ی کوردی. هه‌ولیر: ئاراس، چاپ دوم.
غضنفری امرایی، اسفندیار (۱۳۶۴). گلزار ادب لرستان. تهران: کاوش.
قره‌داغی، محمدعلی (۲۰۱۱). که شکوئی که له‌پووری ئه‌ده‌بی کوردی. هه‌ولیر:
ئاراس.

[گردستانی، مصطفی] (بی‌تا). خورشیدی خاوه‌ر. بغداد: المكتبة العربية.
کندوله‌ای، الماس‌خان (۱۳۷۳). شیرین و فرهاد. تصحیح امین گجری، قم: سینا.
(۱۳۹۴). سیاوش‌نامه. تصحیح و تعلیقات از خلیل بیگزاده، تهران: یار دانش.
(۲۰۱۴). داستانی مشک و پشیله. تصحیح و مقدمه از کاروان عثمان خیاط و
محمد رشید امینی، سلیمانیه: انستیتوی کلپوری کرد.

گجری، امین (۱۳۷۸). از بیستون تا دالاهو. تهران: انتشارات مه.
گلستانه، ابوالحسن محمد بن امین (۱۳۴۴). مجمل‌التواریخ پس از نادر. با ذیل
زین‌العابدین کوهمره، به‌کوشش محمدتقی مدرس رضوی، تهران: ابن‌سینا، چاپ
دوم.

مردوخ روحانی، بابا (۱۳۹۰). تاریخ مشاهیر کرد. تهران: سروش، چاپ سوم.
نامی، محمدصادق (۱۳۱۷). تاریخ گیتی‌گشا. تصحیح و مقدمه از سعید نفیسی،
تهران: اقبال.

ورهرام، غلامرضا (۱۳۶۶). تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر زند. تهران:
معین.

یزدانپناه، مجید (۱۳۸۴). تصحیح رستم و زنون الماس‌خان کندولهای (و مقابله با
شاهنامه فردوسی). کرمانشاه: چشمه‌ی هنر و دانش.

Mahmoudveysi, Parvin (2016). The Meter and the Literary Language
of Gūrānī Poetry. Hamburg.

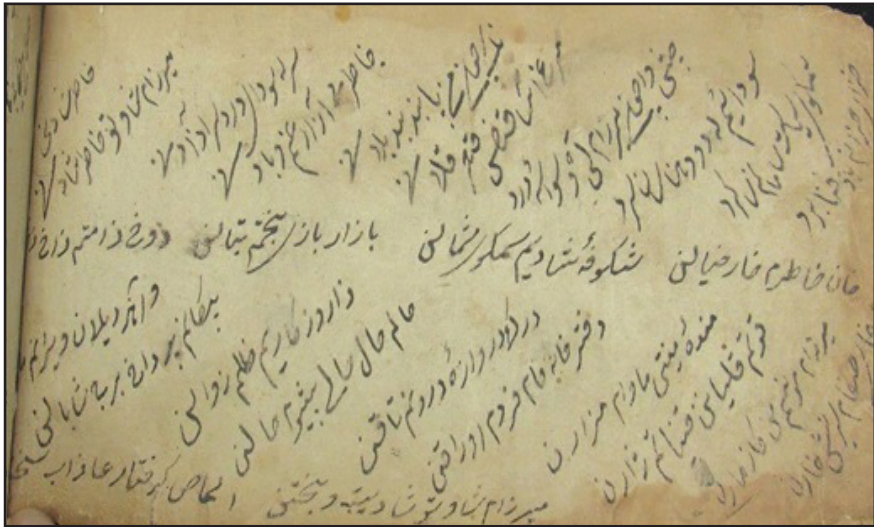
ب) نسخه‌های خطی

جنگ گورانی [شامل اشعاری از بهرام، گربه و موش الماس‌خان و سروده‌های
دیگر از او]. کتابخانه‌ی دولتی برلین، شماره‌ی Ms.or.oct ۱۱۷۸.
جنگ گورانی [نامه‌های منظوم الماس‌خان و میرزا شفیع]. کتابخانه‌ی شخصی
محمد رستگار رضاقلی، سقز.

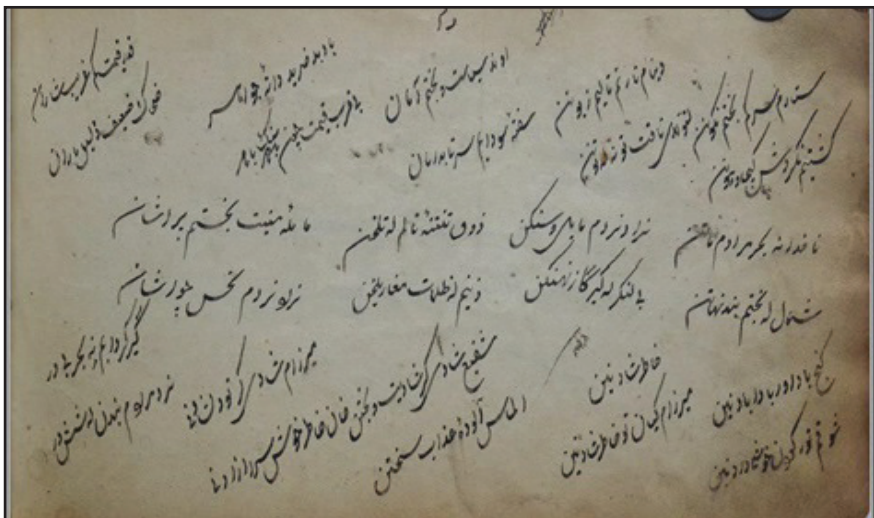
- جُنگ گورانی. کتابخانه‌ی شخصی یحیی محمدی، سندج.
- رضاخان. رستم و اسفندیار. کتابخانه‌ی دولتی برلین، تاریخ کتابت / سرایش: ۱۰۱۲ق.، شماره‌ی Ms.or.oct ۱۱۸۷.
- کندوله‌ای (الف)، الماس‌خان. [سروده‌ی زمستان برزن]. کتابخانه‌ی دولتی برلین، شماره ۹۷۷۴ Hs. or.
- کندوله‌ای (ب)، الماس‌خان. خسرو و شیرین. کتابخانه‌ی دولتی برلین، کاتب: عبدالرحمن ابن ملاً رستم، تاریخ کتابت: ۱۲۴۱ق.، شماره Petermann II Nachtrag ۱۳.
- کندوله‌ای (ج)، الماس‌خان. شیرین و خسرو. کتابخانه‌ی ملی دانمارک، تاریخ کتابت: ۱۳۰۶ق.، شماره‌ی ۵۴.cod.pers.add.
- کندوله‌ای (د)، الماس‌خان. شیرین و فرهاد. کتابخانه‌ی دولتی برلین، کاتب: محمدرحیم کرمانشاهانی، تاریخ کتابت: ۱۳۳۲ق.، شماره ۹۷۷۷ Hs. or.
- کندوله‌ای (ه)، الماس‌خان. گربه و موش. کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی، شماره ۹۷۸۸.
- کندوله‌ای (و)، الماس‌خان. مناجات. کتابخانه‌ی دولتی برلین، کاتب: محمدرحیم ولد کریم، شماره ۹۷۷۸ Hs. or.
- کندوله‌ای (ز)، الماس‌خان. مناجات‌نامه. کتابخانه‌ی شخصی غفار ابراهیمی، جوانرود.
- کندوله‌ای (ح)، الماس‌خان. نادر. سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران، کاتب: صفرعلی موسوی، تاریخ کتابت: ۱۳۰۵ق.، شماره‌ی بازیابی ۷۲۵۵-۵.
- کندوله‌ای (ط)، الماس‌خان. نادرنامه. کتابخانه‌ی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی تهران، شماره ۴۶.
- کندوله‌ای (ی)، الماس‌خان. نادرنامه. کتابخانه‌ی دولتی برلین، شماره ۹۷۷۵ Hs. or.
- کندوله‌ای (ک)، الماس‌خان. نادرنامه. کتابخانه‌ی شخصی قدرت قزوینه‌ای، کنگاور، کاتب: علی فرزند الله‌داد.
- کندوله‌ای (ل)، الماس‌خان. نادرنامه. کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی، شماره

۱۳۶۹۰.

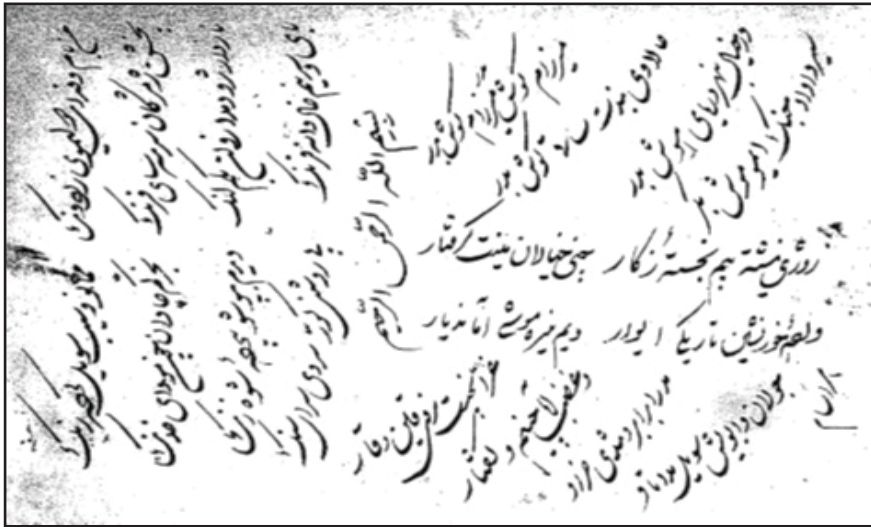
کندوله‌ای (م)، الماس‌خان. جنگ‌نامه‌ی نادر. کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی،
کاتب: فرج‌الله بن عزیزالله ترکاشوند، ۱۲۷۷ق.، شماره‌ی ۱۲۸۷۴.
کندوله‌ای، نورعلی. خورشید خاور. کتابخانه‌ی دولتی برلین، تاریخ کتابت:
۱۹۹۰م.، شماره‌ی Ms.or.oct ۱۱۷۱.



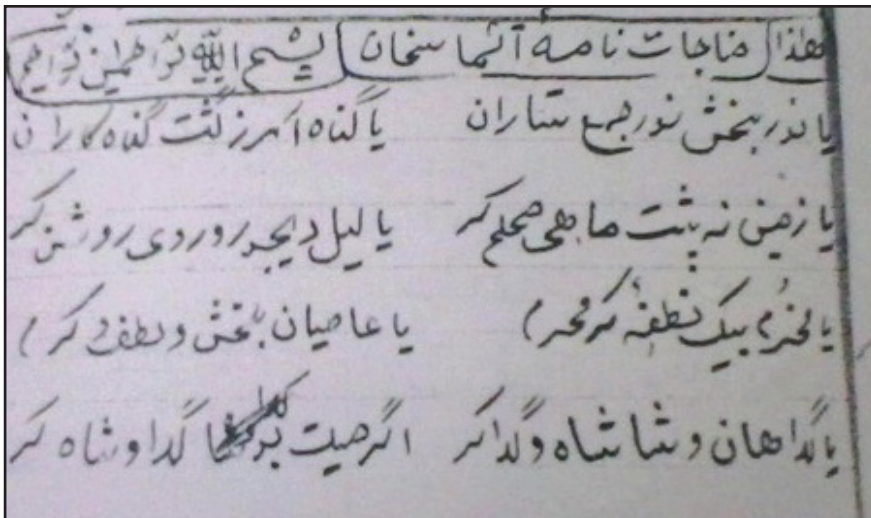
نامه‌ی الماس خان به میرزا شفیع؛ کتابخانه‌ی شخصی محمد رستگار رضاقلی



نامه‌ی الماس خان به میرزا شفیع؛ کتابخانه‌ی شخصی یحیی محمدی



برگ نخست گریه و موش الماس خان، نسخه‌ی کتابخانه‌ی دولتی برلین

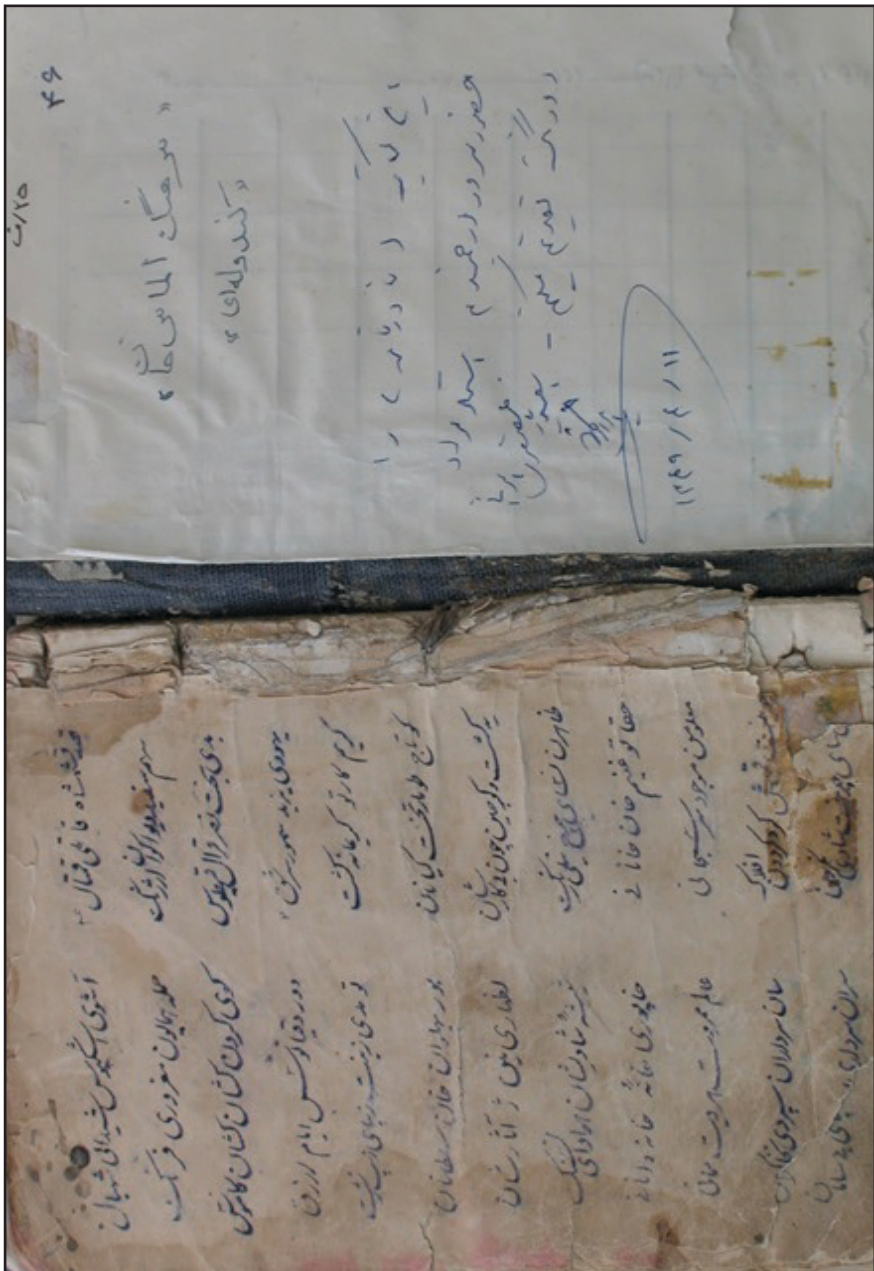


برگ نخست مناجات‌نامه‌ی الماس خان؛ کتابخانه‌ی شخصی غفار ابراهیمی

حسن کلبا لیسما نه الرحمن الرحیم شیربیر خسر و منزه کلام الماسخان
 اول هم باسم الله اکبر رحمان رحمت رحیم رحبر
 کریم کار ساز کار بهرستان شهر اده شریف رحبر شناسان
 سر نقش نقاش عاشقان دلدار و بر سینه وردیش دلبریش
 بسوز سینه سوز سعد و عار شنذر شیر و شیرین و فرنا د
 ملوک کفیلید مع اجمال هوار جلا شکوف شهال
 بروز بهرام کل انام چینی پرواز پر مینر شکوف شیرین
 سرانجام سعد و ارمایون لرداب کمر شانش کار کتابون
 یا حتی تو ز پمار زوق کشتنی واقف ژداده زبیر زشتنی
 اول تو مد سر انجامش ن آخر تو میه بنا کامش ن
 اختیار و تون صاحب بر ط خر و کرمان تو نین دستلات



برگ نخست خسرو و شیرین الماس‌خان در کتابخانه‌ی دولتی برلین



برگ نخست نادرنامه کتابخانه‌ی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی